

خانہ سکوت

اورهان پاموک

برندہ جایزہ نوبل ادبیات ۲۰۰۶

ترجمہ: مریم طباطبائی

نشر پویندہ

سرشناسه	: پاموک، اورهان، ۱۹۵۲-م. Pamuk Orhan
عنوان و نام پدیدآور	: خانه سکوت / اورهان پاموک، ترجمه مریم طباطبایها
مشخصات نشر	: تهران: پوینده، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۴ ص.
شابک	: 978-964-2950-36-2
موضوع	: داستان‌های ترکی -- ترکیه -- قرن ۲۰ م
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ اخ ۲ پ / PL۲۴۸
رده‌بندی دیوئی	: ۸۹۴ / ۳۵۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۵۲۸۹۳

خانه سکوت

اورهان پاموک

برگرفته از مریم طباطبایها

ویراستار: معصومه طوفان‌پور

روی جلد: مهسا امیریان

مدیر اجرایی: مارال میرکیان

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: رامینا

چاپ: حیدری

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

نوبت چاپ: اول (۱۳۹۳)

تیراژ: ۱۱۰۰

حق چاپ و نشر برای نشر پوینده محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۰-۳۶-۲

تلفن: ۸۸۲۰۵۳۳۱ دورنگار ۸۸۲۵۳۸۴۰

Poyandeh.ir

info@Poyandeh.ir

nashr.Poyandeh@gmail.com

۱۸۰۰۰ تومان

فهرست

- ۱- رجب به سینه ای قابستانی می رود ۷
- ۲- وقتی مادر بزرگ در رختخواب منتظر است ۲۳
- ۳- حسن و سیدانش در بازار، حراجی راه می اندازند ۳۹
- ۴- فاروق در حین رانندگی ۵۱
- ۵- متین با دوستانش ملاقات می کند ۶۱
- ۶- رجب صبحانه را آماده می کند ۷۱
- ۷- مادر بزرگ سر مزار گریه می کند ۸۱
- ۸- حسن دور و اطراف را می گردد ۹۷
- ۹- فاروق در آرشیو به دنبال داستان می گردد ۱۰۵
- ۱۰- متین با دیگران ۱۱۳
- ۱۱- مادر بزرگ آب نبات را در می آورد ۱۲۳
- ۱۲- مشکلات ریاضی، حسن را به هم می ریزد ۱۳۱
- ۱۳- رجب شیر می خورد ۱۴۱
- ۱۴- فاروق برکه های قدیمی را می خواند ۱۵۹
- ۱۵- متین در بار (دیسکو) ۱۶۷

- ۱۶- فاطیما دختری کوچک و تر و تازه است ۱۷۷
- ۱۷- حسن به ساحل می‌رود ۱۸۷
- ۱۸- فاروق به دنبال داستان می‌گردد ۱۹۷
- ۱۹- رجب شام را آماده می‌کند ۲۰۳
- ۲۰- وستان حسن اذیتش می‌کند ۲۱۱
- ۲۱- متین در مهمانی ۲۲۳
- ۲۲- در شب حسن ۲۳۵
- ۲۳- مادر بزرگ اون روز رو به یاد می‌آورد ۲۴۵
- ۲۴- فاروق نیلگون از روی تپه منظره رو تماشا می‌کند ۲۵۷
- ۲۵- متین ماشین رو ناز می‌کند ۲۷۱
- ۲۶- حسن تصمیم می‌گیرد فاطیما داستان را پس بدهد ۲۸۷
- ۲۷- رجب نیلگون رو به خانه می‌برد ۳۰۵
- ۲۸- فاروق رقص سنتی را تماشا می‌کند ۳۱۵
- ۲۹- مادر بزرگ مهمان‌های شب رو می‌پذیرد ۳۲۵
- ۳۰- رجب همه چیزو روبه‌راه می‌کند ۳۳۷
- ۳۱- حسن به راه می‌افتد ۳۴۹
- ۳۲- مادر بزرگ به این فکر می‌کند که دیدن کتابی در دست‌های خورش آید ۳۵۷
- است ۳۵۷